

تجزیه و تحلیل مقابله‌ای راهبرد دفاع پیرامونی در ج.ا.ایران و رژیم

صهیونیستی (با تأکید بر مؤلفه‌های قدرت نرم)

سید محسن فاضلی^۱، سید محمدرضا موسوی^۲، احسان مصطفی پور^۳، سید محمود موسوی^{۴*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و ششم، شماره ۹۸، بهار ۱۴۰۲

 20.1001.1.1735501.1402.26.98.6.6

چکیده

شناخت و تحلیل رویکردهای امنیتی رژیم صهیونیستی در تقابل با جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت راهبردی است. بازی این رژیم در طرح امنیتی تجویزی آمریکا در منطقه و عدم مشروعیت ذاتی باعث شده است تا این رژیم دکترین دفاعی خود را انباشت و توازن قدرت، به دکترین توازن تهدید تغییر دهد. یکی از مصادیق این دکترین، تقلید از راهبرد دفاع پیرامونی ج.ا.ایران در لبنان و سوریه، در تقرب ژئوپلیتیک ایران در کشورهای آذربایجان و اقلیم کردستان عراق است. نظر به اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر با استخدام قالب نظری مجموعه امنیت منطقه‌ای و اتخاذ رویکردی ترکیبی-تلفیقی و نوآورانه، ماهیت این راهبرد را در تناظر با راهبرد ج.ا.ایران بررسی کند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل ماتریس اثرات متقاطع و تحلیل ماتریس اثرات متوازن از طریق استخدام نظرات خبگانی، نشان داد که راهبرد دفاع پیرامونی طرفین، در چهار مؤلفه متناظر هستی‌شناسی جامعه‌شناسی، روش‌شناسی و منابع و ۱۴ متغیر گوناگون ذیل این محورها، با هم تفاوت بنیادین دارند که باعث شده است راهبرد دفاع پیرامونی رژیم غاصب، در مقایسه با راهبرد ایران، کارایی لازم را نداشته و با چالش‌های ماهوی و تکنیکی فراوانی مواجه باشد. همچنین، این یافته‌ها نشان داد که این متغیرها در دسته‌های گوناگون راهبردی، حیاتی، هدف، ریسک، تنظیم‌گر، اهرمی و محیطی، دسته‌بندی می‌شوند. بر اساس یافته‌های تحقیق، با تأکید بر مؤلفه‌های قدرت نرم نظام و مبانی مذهبی انقلابی، پیش‌برنده‌ترین سناریو با بیش‌ترین عوامل کلیدی مطلوب، برای ارتقاء راهبرد ایران و مقابله با راهبرد رژیم صهیونیستی ارائه شده است.

کلیدواژه:

امنیت، دفاع پیرامونی، تحلیل اثر متوازن، تحلیل اثر متقاطع، تحلیل عاملی اکتشافی

^۱ مربی دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران fazeli.sm@smc.ac.ir

^۲ مدرس دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم mosavi.smr@smc.ac.ir

^۳ استادیار دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران. mostafapour.e@smc.ac.ir

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین (ع) (نویسنده مسئول). mosavi.sm@smc.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله:

۱-۱- مقدمه موضوع

در ساختار جدید امنیتی جهان در دوران پس از جنگ سرد، تهدیدها در محیط قرابت و منطقه‌ای در مقایسه با محیط دارای بعد و جهانی، امکان اصابت بیشتری دارند و بر همین اساس، تأمین و تهدید امنیت را باید در بافت‌های بومی امنیتی یا مجموعه‌های بومی و منطقه‌ای امنیتی جستجو کرد زیرا این حالت باعث افزایش وابستگی امنیتی بازیگران موجود در یک مجموعه نسبت به همدیگر می‌شود. همچنین، فرایندهای امنیتی نیز در قالب همین مجموعه‌ها امکان کاربست دارند. در این میان اگرچه قدرت‌های جهانی برای نفوذ در این بافت‌های امنیتی بومی دارای ابزارهای قدرتمندی هستند، اما مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای نیز دارای دینامیک‌های فراوانی برای مقابله با تهدیدات سطح جهانی و ابرقدرت‌ها هستند؛ بنابراین، برای فهم مناسبی از امنیت، نیاز است که مفهوم امنیت در ابعاد نظام‌های جهانی و زیر نظام‌های منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس که به دلیل تضاد یا همپوشانی منافع کشورها از آن به‌عنوان یک مجموعه امنیت منطقه‌ای یاد می‌شوند، رژیم صهیونیستی به دلیل ابتدای نامشروع خود، بیش‌ترین تهدید را برای کشورهای منطقه ایجاد کرده است و راهبردی‌ترین رقیب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. با این حال، امنیت، کلیدی‌ترین چالش رژیم غاصب صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون بوده است. پیروی این رژیم اشغالگر از قالب کار امنیتی تجویزی آمریکا، عدم تطابق همیشگی بین ادراک از تهدید و واقعیت‌های محیطی از سوی سران این رژیم و عدم توانایی آن‌ها در پیش‌بینی عواقب مداخلات امنیتی خود در کشورهای منطقه و روندهای امنیتی-سیاسی آن، به همراه ابتناء بنیان‌های سیاسی و نظامی این رژیم بر معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مخدوش، دین‌گریز و ماتریالیستی که ناشی از گذار رادیکال از یهودیت به صهیونیسم است، باعث تعمیق چالش‌ها و مشکلات این موجودیت جعلی شده است. ظهور انقلاب اسلامی در دهه‌های گذشته نه تنها باعث کاهش نفوذ آمریکا در منطقه غرب آسیا شده است بلکه با تقویت جریان مقاومت، چالش‌های امنیتی و هویتی اشغالگران قدس را به سطح بحران و اضطرار رسانده است. نگاهی تاریخی به مقوله امنیت این رژیم نشان می‌دهد که عدم مشروعیت سیاسی این رژیم توسط بسیاری از همسایگان و کشورها و نهادهای مستقل بین‌المللی از یک‌سو و چالش‌های متعدد نظامی از سوی دیگر، بقاء این رژیم را با تهدید جدی مواجه کرده است. علاوه بر آن، این رژیم از بدو تأسیس، تهدیدی مستقیم برای کشورهای عرب به ویژه مصر، لبنان، اردن و سوریه بوده است و منافع و حیثیت سیاسی دیگر کشورهای عرب را نیز متأثر ساخته است و این تقابل



برای آن بدون هزینه نبوده است. از طرفی دیگر، این رژیم اساسی‌ترین متحد سیاسی و نظامی آمریکا در منطقه است و بر همین اساس، آن را در نوک پیکان مواجهه با مخالفان آمریکا در غرب آسیا قرار داده است. مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تلاش‌های سیاسی و نظامی آمریکا در دو دهه گذشته در قالب رویکرد توازن قدرت^۱ قادر به تأمین امنیت این رژیم غاصب نبوده است و این تلاش‌ها در قالب تغییرات دموکراتیک کشورهای منطقه و مداخله نظامی، نتوانسته است بر امنیت رژیم صهیونیستی بیفزاید. در جهان پسا- شوروی که کشورهای عرب حمایت‌های شوروی را از دست داده‌اند، عراق از سیادت نظامی خود بر منطقه خلع شده، مصر از لحاظ سیاسی دگرگون شده است، عربستان و امارات به حداکثر ارتجاع خود در مقابل غرب رسیده‌اند و دیگر اعراب سیاست سکوت را اتخاذ کرده‌اند، تنها دلیل روند فزاینده امنیت زدایی از این رژیم، محور مقاومت با راهبری ایران عنوان شده است. رژیم صهیونیستی برای برون‌رفت از بحران امنیت و مقابله با جمهوری اسلامی ایران راهبردهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی را دنبال نموده است که همگی با شکست مواجه شده است و در این مسیر متحمل خسارت‌های فراوانی شده است. یکی از جدیدترین محورهای تقابل این رژیم با جمهوری اسلامی، استفاده از راهبرد دفاع پیرامونی^۲ بوده است که در آن نیز میزان دستاوردهای ایران در مقابل رژیم غاصب، قابل‌مقایسه نیست. با توجه به اینکه تحلیل و بررسی اقدامات و رویکردهای امنیتی این رژیم برای امنیت جمهوری اسلامی ایران و آینده منطقه اهمیت راهبردی دارد، ماهیت‌شناسی و متغیرشناسی راهبرد دفاع پیرامونی این رژیم در قرابت جغرافیایی ایران با اتخاذ یک روش‌شناسی نوین، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این مطالعه نه تنها خلأ تحقیق در این زمینه را پوشش داده است بلکه نتایج حاصل از آن، تغذیه مناسبی را برای راهبردشناسی و راهبرد نویسی و تحلیل سناریوهای امنیتی، فراهم آورده است.

۲-۱. ضرورت موضوع

رژیم صهیونیستی، برخلاف حکومت‌های رسمی دنیا، راهبرد امنیتی خود را بر پایه بقاء بنیان نهاده است و بر همین اساس است که بسیاری از محققان حوزه امنیت و روابط بین‌الملل (کوهن، ۲۰۰۵، ۱۱۲؛ رودمن، ۲۰۰۵، ۵۳)، این رژیم را فاقد راهبرد امنیتی منسجم عنوان کرده‌اند زیرا واقعیت‌های امنیتی منطقه و ظرفیت‌های امنیتی این رژیم، به آن امکان اتخاذ یک دکترین امنیت ملی منسجم را نمی‌دهد (اینبار، ۲۰۰۸، ۱۸). لویت

^۱ Balance of Power

^۲ Peripheral Defense Strategy



(۱۹۹۰، ۷) که خود از محققان حوزه امنیت رژیم صهیونیستی است، راهبرد امنیتی این رژیم را ملغمه‌ای از عقاید و مفروضات و تصمیمات شفاهی سیاست‌گذاران عنوان می‌کند که بر اساس اصول راهبردشناسی فاقد اعتبار و روایی است. زهدی‌نسب و دیگران (۱۳۹۹) معتقدند که این رژیم برای برون‌رفت از چالش‌های امنیتی خود، نیازمند به ساخت ائتلاف در محیط قرابت است اما بر اساس لویت (۱۹۹۰، ۱۰)، عدم تقارن کمی در مزایای جمعیتی و جغرافیایی در مقابل دشمنان، فقدان عمق راهبردی سرزمینی، تقابل موجودیت‌گرا^۱ با همه همسایگان عرب، عدم امکان ماهوی تشکیل ائتلاف بین‌المللی منسجم برای دفاع از منافع خود به دلیل برخی تقابل‌های تاریخی و درک از این واقعیت که آمریکا توانایی تضمین امنیت آن را ندارد، این رژیم را وادار به اتخاذ راهبردهای سلبی، جبرانی^۲ و مقطعی کرده است. با ظهور انقلاب اسلامی ایران و تقویت محور مقاومت در سه دهه گذشته، راهبرد بازدارندگی و تمرکز برای عدم عبور از خطوط قرمز دشمنان خود، اصلی‌ترین راهبرد رژیم اشغال‌گر قدس بوده است (مورگان، ۲۰۰۳، ۹۵). یکی از مظاهر این راهبرد جبرانی و سلبی، تقلید از راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران از طریق نفوذ امنیتی، نظامی و ایدئولوژیک در قرابت جغرافیایی این رژیم در کشورهای لبنان، سوریه و نوار غزه بوده است که در دهه گذشته به‌شدت از طریق حضور در جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان عراق از سوی این رژیم دنبال شده است. علیرغم اهمیت این موضوع، تحقیق زیادی در این زمینه انجام نگرفته است و معدود تحقیقات انجام‌شده، از نگاهی بخشی و موزاییکی بهره برده‌اند که امکان تحلیل جامع از این پدیده را فراهم نمی‌کند. از طرف دیگر، این معدود تحقیقات اغلب به‌صورت توصیفی بوده‌اند و فاقد ظرفیت استنباط، پیش‌بینی و تحلیل پیش‌نگرانه است. نقصان روش‌شناختی در اتخاذ قالب تحلیلی مناسب؛ استفاده از ابزارهای سنتی در گردآوری و تحلیل داده‌ها و کاربردی نبودن یافته‌ها از دیگر مسائل قابل طرح در این زمینه است. از آنجایی که رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین دشمن راهبردی جمهوری اسلامی ایران در بعد منطقه‌ای است، تحقیق حاضر درصدد است تا با اتخاذ مبانی نظری مرتبط، استفاده از روش تحقیق ترکیبی و کاربست ابزارهای تحلیل استنباط کیفی در نرم‌افزارهای تحلیل کمی و کیفی نوین، متغیرهای اساسی در راهبرد دفاع پیرامونی طرفین

¹ Existentialistic

² Compensatory Strategy



را کشف و بر مبنای تحلیل معتبر از آن، سناریوهای محتمل و مطلوب را برای مقابله با این راهبرد ارائه کند.

۳-۱. اهمیت موضوع

تحقیق حاضر از چند جنبه حائز اهمیت است. از جنبه ماهوی، ساختار امنیتی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد گوناگون از جمله تقابل راهبردی، ائتلاف راهبردی، منافع راهبردی، تهدیدات راهبردی، ایدئولوژی و مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در تضاد رادیکال با رژیم غاصب صهیونیستی است. درحالی‌که ایران از طریق اتخاذ راهبرد دفاع پیرامونی، بخش قابل توجهی از راهبرد امنیتی خود در قابل این رژیم را محقق ساخته است و این راهبرد برگ برنده ایران در این زمینه محسوب می‌شود، رویکرد این رژیم در اتخاذ راهبرد جبرانی مشابه در همسایگی ایران، تهدیدات و آسیب‌های نوظهوری را در زمین امنیت برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است که مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است. متغیرشناسی و تحلیل ساختار این راهبردها به صورت مقابله‌ای، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. امکان‌سنجی مقابله‌ای این راهبرد با تأکید بر مؤلفه‌های نرم و سخت موجود در ساختار اجرایی راهبرد، امکان‌سنجایی اشتراکات و افتراقات و به تبع آن، شناسایی نقاط ضعف و قوت هر راهبرد را فراهم می‌کند. از لحاظ روش‌شناسی نیز، دستیابی به یافته‌های معتبر و قابل‌تعمیم که روایی و پایایی آن‌ها ارزشیابی شده است، منبع معتبری از اطلاعات را در اختیار کارگزاران حوزه مطالعه قرار می‌دهد. کاربست طرح تحقیق تلفیقی کمی و کیفی در مطالعه حاضر با استناد به نظریه نخبگانی و استفاده از نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریو ویزارد، امکان ترسیم و تبیین سناریوهای محتمل و مطلوب را در روابط امنیتی طرفین فراهم می‌سازد که می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران حوزه امنیت قرار بگیرد.

۴-۱. مسئله اصلی:

مسئله اصلی تحقیق حاضر شناخت ماهیت راهبرد دفاع پیرامونی رژیم صهیونیستی در کشورهای آذربایجان و اقلیم کردستان در تناظر با راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در لبنان و سوریه است که در پیشینه تحقیق مغفول مانده است و یا نقایص روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، مانع از ارائه یک تحلیل کامل در این زمینه شده است. بر همین اساس، سؤالات و اهداف زیر طرح شده است:



سؤال اصلی تحقیق: راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی چه ساختاری دارد؟

سؤال‌های فرعی:

(۱) مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی در ساخت راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران کدامند و هر کدام چه ماهیتی دارند؟

(۲) مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی در ساخت راهبرد دفاع پیرامونی رژیم صهیونیستی کدامند و هر کدام چه ماهیتی دارند؟

(۳) سناریوهای مطلوب برای راهبرد دفاع پیرامونی علیه رژیم صهیونیستی کدامند و فرهنگ مقاومت در این سناریو چه جایگاهی دارد؟

هدف اصلی تحقیق: کشف و اعتباربخشی مقابله‌ای ساختار راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

هدف‌های فرعی

(۱) شناسایی و اعتباربخشی مقابله‌ای ساختار راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی بر مبنای تحلیل عاملی اکتشافی

(۲) ماهیت شناسی ساختار راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی بر اساس تحلیل ماتریس اثرات متقابل^۱

(۳) ارائه سناریوی مطلوب در روابط امنیتی دو کشور در حیطه راهبرد دفاع پیرامونی بر مبنای تحلیل متوازن تأثیر متقابل^۲

۱-۵. نحوه سازمان‌دهی مقاله

نظر به اهداف مطرح‌شده در تحقیق حاضر، مقاله به سه بخش عمده الف) شناخت متغیرهای مؤثر در ساخت راهبردهای طرفین مطالعه از طریق انجام گام کیفی تحقیق، مرور نظام‌یافته مطالب و مصاحبه با نخبگان، ب) متغیر شناسی راهبردها از طریق ماتریس تحلیل اثر متقاطع و ج) کشف راهبرد مطلوب بر اساس مؤلفه‌های قدرت نرم از طریق تحلیل اثر متوازن، تقسیم‌بندی شده است. در پایان تحقیق نیز بحث نتایج و پیشنهادهای تحقیق ارائه شده است.

¹ Crossed-Impacts Matrix

² Crossed-Impacts Balances



۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- ادبیات نظری

۲-۱-۱- چارچوب نظری تحقیق (نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای)

بوزان و ویور (۲۰۰۳، ۳) در تبیین خود از امنیت جهانی به این نکته دست یافته بودند که منطقه در تحلیل سیاست جهانی نقش کلیدی دارد و بر همین مبنا یک قالب کاری مفهومی را برای تحلیل امنیت در سطح منطقه ارائه دادند که در آن منطقه به دلیل دارا بودن ویژگی‌های ماهوی و متغیرهای مستقل، از امنیت جهانی مجزا و به‌عنوان یک پدیده امنیتی متمایز به شمار می‌رود که به آن مجموعه امنیت منطقه‌ای می‌گویند. در این نظریه، مفهوم امنیت از مفهوم سنتی خود که وابسته به حیطه‌های نظامی و سیاسی بود تکوین یافته است و بازتعریف جدیدی از آن ارائه شده است. بر این اساس، محدوده مفهوم‌سازی از امنیت از سطوح عینی و ماتریالیستی به سطوح ادراکی و غیر عینی تسری پیدا کرده است. در این نوع نگرش، امنیت پدیده‌ای ادراکی است که می‌تواند هر ارزش امنیتی را در درون خود جای دهد. بر همین اساس، امنیت سازی فرایند متکلف و مبتنی بر فهم بین‌الاذهانی و وجود گرایانه از یک پدیده خارجی است که به‌عنوان تهدید نمود یافته است و ضروری است برای تقابل با آن، اقدامی عاجل صورت گیرد. به‌بیان دیگر، تهدید پدیده‌ای است که توسط همه بازیگران موجود در یک نظام امنیتی به‌صورت متقابل درک شده است و برای رفع آن اقدام و یا ضد اقدام صورت پذیرفته است. متناسب با آن، امنیت زدایی نیز یک فرایند چندبعدی است که بر اساس آن یک واحد سیاسی، از اهمیت یک تهدید غافل شود و برای مقابله با آن اقدام مناسب اتخاذ نکند. یک پدیده محتمل تهدید، تنها زمانی تهدید محسوب نمی‌شود که در درک متقابل بازیگران، بر قریب‌الوقوع نبودن واقعیت آن اجماع متقابل وجود داشته باشد. این نظریه در معرفت‌شناسی خود از مضامین انحصار ارضی و توزیع قدرت در رویکرد نئورئالیست‌ها و مضمون امنیت اجتماعی در مکتب کپنهاگ استفاده برده است، با این تمایز که این نظریه، ساختار سطح جهانی مطرح‌شده در نئورئالیسم را نپذیرفته است و الزاماً بر ساختار سطح منطقه‌ای امنیت تأکید دارد. بر این اساس، الگوهای دوستی و عداوت به‌عنوان متغیرهای مستقل در تعیین ماهیت روابط امنیتی نقش اساسی ایفا می‌کنند و از این حیث نیز نظریه مذکور دارای مبانی ساخت گرایانه است. همچنین، مطابق با سطوح تحلیل در نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، ترکیب سیاست و شرایط مادی در هر منطقه باعث ساخت الگوهای امنیت و ضد امنیت متناسب با



بوم همان منطقه می‌شود؛ بنابراین، بوزان و ویور (۲۰۰۳، ۲۶) چهار سطح متمایز را در ساختار تحلیلی این نظریه مطرح کرده‌اند که شامل سطح محلی و داخلی (که شرایط درونی دولت‌ها و منطقه را مورد بررسی قرار می‌دهد و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را بررسی می‌کند)، سطح روابط دولت با دولت، سطح روابط منطقه با منطقه و سطح نفوذ و تأثیر قدرت‌های بزرگ می‌شوند. از آنجایی که راهبرد دفاع پیرامونی طرفین مطالعه در تحقیق حاضر مبتنی بر کنش در واحد جغرافیایی قریب است، این نظریه، چارچوب مناسبی را برای تحلیل جاری فراهم ساخته است.

۲-۱-۲. تبیین مفاهیم و اصطلاحات

امنیت: بر اساس نویلو (۱۹۹۸) به نقل از افشنگ و دیگران (۱۴۰۰)، امنیت اثر متقابل بین عناصر سیاسی، اقتصادی، نظامی، ایدئولوژیک، حقوقی و اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی اطلاق می‌شود که منجر به انجام کنش و واکنش‌های ضروری و اتخاذ تمهیدات لازم به منظور حفظ تمامیت ارضی، حفاظت جسمانی و فیزیکی جمعیت، استقلال سیاسی، توسعه اجتماعی و فرهنگی و گسترش مبنای فکری یک در واحد سیاسی می‌شود. همچنین بر اساس هیودی (۱۹۸۱، ۷۵)، امنیت در مفهوم عملیاتی خود به مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های گفته می‌شود که مبتنی بر ابزارهای قدرت بخش حاکمیتی، ملیتی و بینشی، از تخریب، تضعیف و یا حذف کارکردهای نظام‌ها جلوگیری می‌کند.

منطقه: بر اساس بوزان (۱۹۹۵، ۱۳) منطقه به دسته‌ای از دولت‌ها با نظام‌های سیاسی اطلاق می‌شود که نسبت به همدیگر دارای روابط و فعل و انفعالات امنیتی معنادار و متمایز هستند و در یک حیطه جغرافیایی قرابت، زیست می‌کنند. در تعریف عملیاتی، منطقه یک بافت ساختاری است که به قرابت جغرافیایی خلاصه نمی‌شود بلکه تأثیر واحدهای کنش کننده در یک بافت بر فرایندهای امنیت سازی و امنیت زدایی باعث ساخت این مفهوم می‌شود.

۲-۲- پیشینه پژوهش

نگاهی اجمالی به پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات داخلی و خارجی فراوانی به مقوله امنیت رژیم صهیونیستی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران و سایر تهدیدات این رژیم پرداخته‌اند که در این بخش به مرور مختصر برخی از آن‌ها می‌پردازیم. در حالی که بسیاری از نظریه پردازان درونی رژیم با اتخاذ نگاهی رئال، شرایط کنونی امنیت رژیم



صهیونیستی را فاقد عمق راهبردی و مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ساختارمند عنوان کرده‌اند، متقی و ثابت (۱۳۹۱) معتقدند که امنیت ایدئال در منظر صهیونیست‌ها دارای مبانی ایدئولوژیک و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی قدرتمند مبتنی بر فرهنگ راهبردی است که از اندیشه‌های صهیونیست و رهیافت‌های تلمودی سازمان گرفته است و از سطح نظری امنیت به سطح عملی آن رسیده است به گونه‌ای که در مظاهر فرهنگی، زبانی و قومیتی آن نمود دارد. بر همین اساس، صهیونیست‌ها در قالب دکترین انتظار، از هر راهبردی برای دفاع از موجودیت خود استفاده می‌کنند. بهرامی و عراقچی (۱۳۹۶) در تحقیق خود دریافتند که به دلیل چند لایه شدن تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی، رویکردهای سنتی به امنیت قادر به تأمین موجودیت این رژیم نیست، بنابراین این رژیم دست به انجام تدابیر نوینی زده است که بیش از پیش امنیت منطقه را تهدید می‌کند. راهبرد دفاع پیرامونی و حضور در همسایگی ج.ا.ایران نیز در همین قالب تفسیر می‌شود. جعفرزاده و دیگران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی ظرفیت‌های ایران در مقابله با تهدیدات ترکیبی رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند و دفاع ترکیبی پیرامونی با تشکیل محور مقاومت در قرابت فیزیکی را بهترین راهبرد دفاعی کشور در مقابل این رژیم عنوان کرده‌اند. در تحقیقی که توسط احمدی (۱۳۹۷) انجام گرفته است حضور در قرابت جغرافیایی و شکستن دیوار امنیتی با تکیه بر محور مقاومت را بهترین راهبرد ایران در تقابل با این رژیم عنوان کرده است. رجبی (۱۴۰۰) نیز به بررسی راهبردهای رژیم صهیونیستی در مقابله با جهان اسلام با محوریت ایران پرداخته است و دریافته است که عادی‌سازی روابط با کشورهای مسلمان و تلاش برای ایجاد اتحاد پیرامونی دو کلان راهبرد این رژیم از بدو تأسیس بوده است. در بعد خارجی نیز تحقیقات زیادی در حوزه اعراب، سرزمین‌های اشغالی و بین‌المللی در مورد امنیت این رژیم انجام گرفته است. عبدالرحمن (۲۰۱۲، ۸۱) معتقد است بعد از اضمحلال اتحاد اعراب علیه اسرائیل که با جنگ ۲۰۰۳ عراق عملاً پایان یافت، ایران عمده‌ترین تهدید برای رژیم صهیونیستی است و عمده‌ترین راهبرد آن برای مقابله با این رژیم ترکیبی از راهبردهای جنگ سرد با راهبرد بازدارندگی پیش‌دستانه^۱ است که نمود عینی آن تشکیل محور مقاومت است. در تحقیقی که توسط بریک (۲۰۱۹، ۷) انجام شده است نتایج حاکی از آن است که خروج عملی آمریکا از منطقه و ظهور



^۱ Forward Deterrence Deployment

قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، اسرائیل را وادار به تغییرات راهبردی در امنیت خود کرده است. بر این اساس، خلأ ناشی از خروج آمریکا، قدرت‌های زیادی را وارد منطقه کرده است که از آن جمله می‌توان به ایران، روسیه و حتی ترکیه اشاره کرد. از این رو، اتخاذ راهبرد مستقل و درون‌زای امنیتی که ناشی از بازیگری در منطقه است، می‌تواند متضمن بقاء این رژیم باشد. ایهود ایرین (۲۰۲۰، ۱۷) محقق صهیونیست در تحقیقی که به اخیراً در مورد ساختار این رژیم انجام داده است بر این نکته تأکید می‌کند که ساختار سنتی امنیتی اسرائیل به دلیل تغییرات نوین منطقه‌ای ناکارآمد است. وی عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی را بدون حل‌پلیدار موضوع فلسطین، راهبردی بی‌فایده عنوان می‌کند. همچنین ائتلاف‌های فرا سرزمینی با برخی کشورها مانند یونان در حوزه انرژی را به دلیل تضاد منافع با برخی کشورهای قدرتمند منطقه مانند ترکیه، دارای هزینه زیاد عنوان کرده است. ائتلاف‌سازی با آمریکا به دلیل خروج از منطقه نیز یک راهبرد ناکارآمد و ائتلاف با اروپا نیز به دلیل واحد نبودن سیاست‌های این اتحادیه غیرقابل اتکا عنوان شده است. این محقق، امنیت درون‌زا را تنها راهبرد امنیتی‌پلیدار این رژیم عنوان کرده است که کاری بسیار دشوار برای این رژیم است.

۲-۱. وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین

از تمایزات تحقیق حاضر با نوشته‌های پیشین در ادبیات تحقیق، تمرکز بر ساختار راهبرد دفاع پیرامونی ایران در لبنان و سوریه و بررسی متغیرهای ضعف و قوت آن و همچنین بررسی مقابله‌ای راهبرد دفاع پیرامونی رژیم غاصب در آذربایجان و اقلیم کردستان و بررسی متغیرهای ضعف و قوت آن است. از دیگر وجوه افتراق تحقیق حاضر استفاده از قالب نظری مرتبط (مجموعه امنیت منطقه‌ای)، نوآوری روشی و معتبر سازی یافته‌ها بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل اثرات متقابل و تحلیل متوازن تأثیرات و همچنین کاربردی سازی یافته‌ها بر اساس رویکردهای سناریونویسی و ارائه سناریوی مطلوب برای مقابله با راهبردهای امنیتی رژیم غاصب است.



۳- روش تحقیق

۳-۱- نوع تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که با کاربردی نظریه مجموعه امنیتی یک ساختار اعتباربخشی شده از راهبرد دفاع پیرامونی ایران و رژیم صهیونیستی را ارائه داده است. همچنین، تحقیق حاضر به دلیل ماهیت تحلیلی و استنباطی خود، از یک طرح تحقیق چند گامی - چند روشی^۱ بهره می‌برد. منطق تغییر روش تحقیق در گام‌های گوناگون، پیروی از الزامات رویکرد تحلیل عاملی و تحلیل ساختاری است که دارای چند مرحله است و در هر مرحله نیز روش گردآوری داده‌ها، تحلیل آن‌ها و اعتباربخشی آن‌ها مستلزم کاربردی روش‌های تحقیق کیفی، کمی یا تلفیقی است. در تبیین این موضوع (کرسول، ۲۰۰۸، ۲۶) معتقد است که استفاده هم‌زمان از رویکردهای گوناگون تحقیقی در بررسی یک پدیده، باعث ارائه تصویری جامع‌تر از آن پدیده می‌شود و قدرت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

گام اول تحقیق حاضر کیفی است که با کمک نظرات نخبگانی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته، مرور ادبیات تحقیق در سه دهه گذشته (۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰) و سند پژوهی، مؤلفه‌ها و متغیرهای دخیل در ساخت راهبرد دفاع پیرامونی ایران و رژیم صهیونیستی را کشف کرده است. کارگروه نخبگانی تحقیق حاضر به صورت نمونه‌برداری جهت‌دار^۲ از دانشگاه جامع امام حسین (۲ نفر)، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (۳ نفر)، دانشگاه آزاد اسلامی (۱ نفر) و دانشگاه تهران (۱ نفر) انتخاب شدند. گام بعدی اعتباربخشی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی^۳ بود که به صورت کمی و در نرم‌افزار اسپاس انجام شد. مؤلفه‌ها بر اساس ارزش ایگن^۴ و متغیرها بر اساس بار عاملی^۵ استخراج شدند. در گام سوم تحقیق برای ماهیت شناسی مقابله‌ای راهبرد دفاع پیرامونی طرفین از ماتریس تحلیل اثرات متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک استفاده شد که یک گام کیفی محسوب می‌شود. بر این اساس، ماهیت و رفتار هر متغیر در نظام هر راهبرد مشخص شد. در گام نهایی تحقیق که یک گام کیفی است، بر مبنای تحلیل متوازن تأثیر متقابل در نرم‌افزار سناریو ویزارد،

^۱ Multi-Phase Multi-Method

^۲ Purposive Sampling

^۳ Exploratory Factor Analysis

^۴ Eigen Value

^۵ Factor Loading



سناریوهای مطلوب برای مقابله با راهبرد دفاع پیرامونی رژیم صهیونیستی با تبیین نقش فرهنگ مقاومت ارائه شد.

۴- یافته‌های تحقیق

با توجه به سؤالات و فرضیه‌های مطرح‌شده، مطالعه حاضر چند هدف عمده را دنبال کرده است که به ترتیب نتایج حاصل از آن در زیر آمده است:

۴-۱ نتایج تحقیق

- مؤلفه‌ها و متغیرهای متناظر در ساخت راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

برای رسیدن به مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و رژیم غاصب صهیونیستی، جنبه‌های گوناگون حضور راهبردی ایران در سوریه و لبنان و حضور راهبردی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان عراق مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور، ادبیات مرتبط با تحقیق در سه دهه گذشته بر اساس کلیدواژه‌های گوناگون در پایگاه‌های ملی و بین‌المللی داده به زبان‌های فارسی و لاتین مورد بررسی قرار گرفت. همچنین سندپژوهی در اسناد بالادستی در دسترس و مصاحبه نیمه ساختاریافته با متخصصین حوزه روابط بین‌الملل و روابط راهبردی (گروه نخبگان تحقیق) به صورت چرخشی تا زمان رسیدن به اشباع نظری^۱ انجام گرفت. از رویکردهای تحلیل محتوا و زمینه‌یابی برای استخراج محورها و متغیرها استفاده شد. واحد تحلیل گزاره‌های معنایی در نظر گرفته شد. بر این اساس، ۶ محور و ۲۰ متغیر به صورت اولیه شناسایی و به شکل پرسش‌نامه لیکرت سازمان‌دهی شد و برای اعتباربخشی در اختیار ۶۰ شرکت‌کننده (۳۵ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌های گوناگون علوم سیاسی، ۱۸ دانشجوی دکتری رشته‌های گوناگون علوم سیاسی و مدیریت راهبردی و ۷ نفر از اعضای نخبه گروه کارشناسی) قرار گرفت و نتایج آن توسط نرم‌افزار اسپاس (نسخه ۲۳) مورد تحلیل عاملی اکتشافی قرار گرفت. آزمون‌های بارتلت و کرویت انجام گرفت و مقادیر حاصل شد، عاملیت پذیری داده‌های حاصل‌شده را تعیین کرد که در جدول زیر نشان داده شده است.

^۱Theoretical Saturation



جدول شماره ۱: تخمین عاملیت پذیری داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی

۰.۶۴۷	مقیاس کی‌ام‌او برای کفایت نمونه
۳۶۱۶.۶۴۵	آزمون کرویت بارتلت
۰.۰۰۲	معناداری

نتایج حاصل از تحلیل ارزش ایگن^۱ در تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که در ساخت راهبرد دفاع پیرامونی طرفین، ۴ مؤلفه متناظر معتبر که ۱۴ متغیر گوناگون را در ذیل خود جای داده‌اند، وجود دارد که در جدول زیر به همراه بار عاملی آن‌ها، نشان داده شده است:

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها و متغیرهای راهبرد دفاع پیرامونی ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی (منبع نگارندگان تحقیق)

بار عاملی	متغیرهای راهبرد غاصب در باکو و اربیل	متغیرهای راهبرد ج.ا.ایران در لبنان و سوریه	بار عاملی	مؤلفه راهبرد
۰.۹۳	رهیافت تلمودی برتری‌جو	رهیافت شیعی عدالت‌خواه	۰.۹۱	هستی‌شناسی
۰.۸۹	نظام معنایی اکسایشی کتویی	نظام معنایی و حیانی-انقلابی	۰.۹۳	
۰.۹۰	تفکر شوونیستی انحصاری	تفکر جهان‌شمول فرامرزی	۰.۸۳	
۰.۸۳	تضاد هویتی	هویت همسو	۰.۷۱	جامعه‌شناسی
۰.۷۶	غیر ستیزی	استکبارستیزی	۰.۶۷	
۰.۹۰	تعصب فرقه‌ای	غیرت دینی	۰.۹۱	
۰.۸۷	واگرایی اگزستانسیالیستی	همگرایی اگزستانسیالیستی	۰.۷۱	روشناسی
۰.۹۳	ستیزه‌جویی منفعلانه	مقاومت فعالانه	۰.۶۹	
۰.۸۸	اتحاد قراردادی محور سازش	اتحاد ماهوی محور مقاومت	۰.۸۱	
۰.۹۳	مشروعیت سازی مصنوعی	مشروعیت زدایی حقیقی	۰.۷۹	روشناسی
۰.۸۹	واقع‌گرایی تدافعی	واقع‌گرایی تهاجمی	۰.۷۶	
۰.۸۸	ذهنیت شکست متوالی	ذهنیت پیروزی متوالی	۰.۹۰	



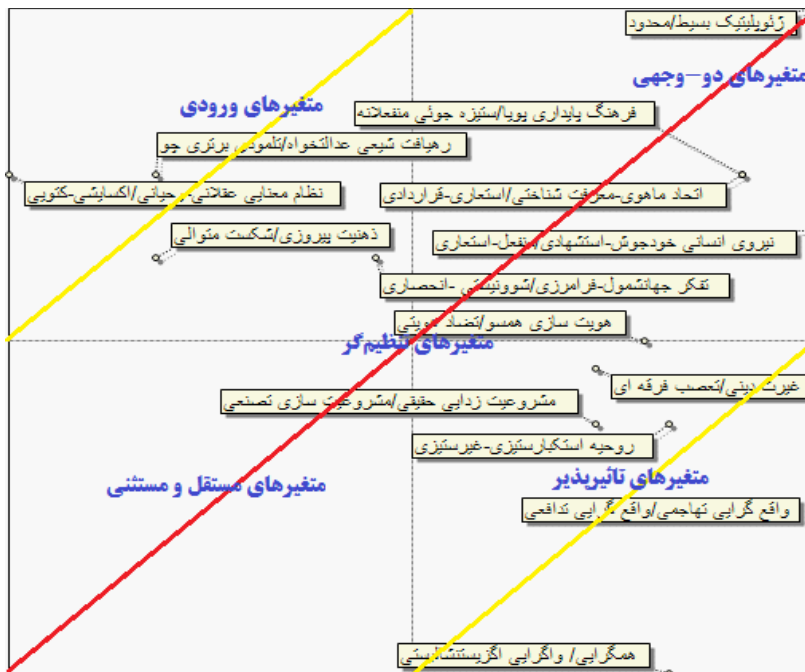
^۱ Eigen Value

منابع راهبرد	۰.۹۱	نیروی انسانی فعال و بسیط	نیروی انسانی منفعل و متفرق	۰.۷۳
	۰.۹۳	ژئوپلیتیک گسترده/ دارای عمق	ژئوپلیتیک محدود/ فاقد عمق	۰.۹۱

ماهیت شناسی متغیرهای متناظر در ساخت راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در ماتریس اثرات متقاطع

برای بررسی نوع رفتار و تأثیرگذاری هر کدام از این متغیرها، در نظام راهبرد دفاع پیرامونی طرفین حاضر در مطالعه، از نظرات نخبگان در ماتریس اثرات متقاطع استفاده شد که بر اساس آن، گروه نخبگان تحقیق، به تأثیرگذاری متغیرها بر مؤلفه‌ها و متغیرهای گوناگون مقادیر مختلفی از ارزش‌های عددی تعیین شده را در ماتریس قرار دادند. برآیند حاصل از نظرات این متخصصان جمع‌آوری و توسط ماتریس اثر متقاطع مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه، مورد تحلیل قرار گرفت ولی به دلیل اهداف تحقیق، در این بخش، تنها نتایج و تحلیل‌های ناشی از اثرات مستقیم ارائه شده است. این یافته‌ها در نگاشت‌های زیر ارائه شده است.

شکل شماره ۱. نگاشت ماهیت و تأثیرگذاری متغیرهای دخیل در ساخت راهبرد دفاع پیرامونی متناظر (منبع نگارندگان تحقیق)



یافته‌های حاصل از تحلیل ماتریس اثرات متقاطع در شکل فوق، اطلاعات گوناگونی را در اختیار کنش‌گران، راهبردها، سناریو نویسان و سیاست‌گذاران امنیتی قرار می‌دهد که در زیر به مهم‌ترین این یافته‌ها اشاره شده است:

الف- دینامیک-استاتیک بودن نظام راهبرد؛ بر اساس نگاهت تأثیرات مستقیم متغیرها در ماتریس اثرات متقاطع، توزیع متغیرها در نمودار نشان‌دهنده وضعیت پایداری/ناپایداری است. این در شرایطی است که هر چه میزان پایداری یک نظام تحلیلی در ماتریس مذکور پایدارتر باشد از پایداری بیشتری برخوردار است و امکان تحلیل و پیش‌بینی آن نیز افزایش می‌یابد اما هر چه ناپایداری بیشتر باشد، نظام از پویایی و دینامیک بالاتری برخوردار است و تحلیل آنی و آتی آن دشوارتر خواهد بود. بر این اساس، اگر توزیع متغیرها در نمودار به شکل L باشد، نشان‌دهنده پایدار بودن سیستم است و بدان معنا است که این سیستم با تغییرات اندک و یا تعدیل برخی متغیرها به راحتی دچار تغییر وضعیت نخواهد شد؛ اما توزیع متغیرها در نگاهت فوق نشان‌دهنده پراکنده بودن متغیرها حول محورهای گوناگون است. این بدان معنا است که برای تغییر نظام راهبرد دفاع پیرامونی طرفین تحلیل، نیاز به تغییرات گسترده‌ای در مؤلفه‌های فراوانی است و با تغییرات بخشی در یک بعد یا یک یا چند متغیر، نمی‌توان تأثیرات تعقیبی ناشی از آن را کنترل کرد. لذا، برای ایجاد تغییرات مثبت، نیاز به تغییرات زیادی در اغلب متغیرها است. اولویت این تغییرات در ادامه مشخص شده است.

ب- متغیرهای ورودی (متغیرهای حیاتی^۱/متغیرهای محیطی^۲): این متغیرها که در شمال غربی نگاهت وابستگی/تأثیر (شکل شماره یک) قرار دارند متغیرهای ورودی سیستم هستند و این بدان معنا است که تغییر آن‌ها منجر به بیش‌ترین تغییرات در کل نظام راهبرد می‌شود. این متغیرها به دو دسته حیاتی و محیطی تقسیم می‌شوند. متغیرهای حیاتی در بالای خط زرد قطری بخش شمال غربی نگاهت قرار دارند و بیش‌ترین تأثیرگذاری را در نظام اثرات تعقیبی این راهبرد دارند. در مطالعه حاضر، متغیرهای حیاتی شامل متغیرهای مؤلفه هستی‌شناسی یعنی رهیافت، نظام معنایی و شیوه تفکر هستند که بیش‌ترین تأثیر را در راهبرد دفاع پیرامونی بر جای می‌گذارند؛ به عبارت دیگر، در راهبرد

¹ Critical Variables

² Environmental Variables



دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت شیعی عدالت‌جو و نظام معنایی عقلانی - وحیانی و تفکر جهان‌شمول فرامرزی و در راهبرد دفاع پیرامونی رژیم صهیونیستی، رهیافت برتری‌جوی تلمودی^۱، نظام اکسایشی-گتویی^۲ و تفکر شوونیستی انحصاری، حیاتی‌ترین و تأثیرگذارترین متغیرها هستند و تغییر در هر کدام از آن‌ها نظام راهبرد را متحول می‌کند. همچنین در بخش پایینی خط قطری زردرنگ در همین ناحیه، متغیرهای محیطی قرار دارند که علیرغم تأثیرگذاری زیاد آن‌ها بر نظام و ساختار راهبرد، به دلیل محیطی بودن و وابسته به بافت و تجربه بودن، تغییرات آن‌ها بسیار دشوار است؛ اما در صورت ایجاد زمینه تغییر آن‌ها، تأثیرات بسیار بنیادینی بر سایر مؤلفه‌ها و متغیرها دارند. ذهنیت شکست متوالی برای رژیم صهیونیستی و ذهنیت پیروزی متوالی برای جمهوری اسلامی ایرانی، متغیرهای محیطی هستند که در محیط زاینده و با تغییرات سیاست‌گذاری و راهبردی، امکان تغییر آن‌ها بسیار دشوار است. برای مثال، کسب یک پیروزی دیگر از طرف محور مقاومت یا کسب یک پیروزی توسط رژیم صهیونیستی، تأثیرات بسیار شگرفی بر سایر متغیرهای راهبرد دفاع پیرامونی این کشورها خواهد داشت.

ج- متغیرهای دو-وجهی^۳ (متغیرهای ریسک^۴/متغیرهای هدف^۵): محل قرارگیری این متغیرها در ناحیه شمال شرقی نگاشت تأثیرات است. متغیرهای این ناحیه دارای ماهیتی بسیار ناپایدار هستند و بر اساس شرایط حاکم بر نظام راهبرد، می‌توانند در نقش متغیرهای ورودی یا متغیرهای خروجی سیستم ظاهر شوند. این متغیرها به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم‌بندی می‌شوند. متغیرهای ریسک نقش کلیدی‌تری در نظام راهبرد یازی می‌کنند و تمایل بیشتری برای تبدیل شدن به متغیر تأثیرگذار دارند. این متغیرها در بالای خط قطری قرمز این بخش قرار دارند و بر این اساس متغیر ژئوپلیتیک در این دسته جای می‌گیرند. همان‌طور که در بالا نیز تبیین شده است، در اینجا منظور از ژئوپلیتیک،

^۱ خوانشی تفسیری از کتاب مقدس یهودیان که در آن با تقلیل جایگاه وحی به اندیشه، برخی مقاصد افراطی و برتری‌جویانه صهیونیستی دنبال شده است.

^۲ نوعی هستی‌شناسی فرقه‌ای در یهودیت است که در ساختار امنیتی رژیم صهیونیستی نمود دارد. اتخاذ راهبرد تهاجمی به‌عنوان بهترین روش دفاعی، تمایل به قتل و حذف فیزیکی تهدید و تلاش برای ایجاد امنیت در محیط پیرامونی از اصول این هستی‌شناسی به شمار می‌روند.

^۳ Bi-Dimensional

^۴ Risk

^۵ Target



عمق راهبردی است و دلیل قرارگیری آن در دسته متغیرهای ناپایدار ریسک، به دلیل ناپایداری عمق راهبردی کشورها بر اساس حیطه جغرافیایی است. برای مثال، از دست رفتن جنوب لبنان برای رژیم صهیونیستی و کنترل کامل آن توسط حزب‌الله، عمق راهبردی این رژیم را به شدت محدود کرده است. تغییر در این متغیر نیز مانند متغیرهای دسته بالا، نقش تأثیرگذاری بر نظام راهبرد دارد. در مقابل پذیرش ژئوپلیتیک کنونی باعث می‌شود که این متغیر از شمول در دسته متغیرهای ریسک خارج شده و خود تحت تأثیر سایر عوامل قرار بگیرد. بر همین اساس یک راهبرد امنیتی پویا به دنبال افزایش عمق راهبردی از طریق سایر متغیرها و برداست نتایج حاصل از تأثیرگذاری آن بر سایر متغیرها باشد که یک رویکرد هم‌افزا به شمار می‌رود. متغیرهای هدف که در زیر خط قطری این ناحیه قرار دارند، بیشتر تمایل دارند که تحت تأثیر سایر متغیرها به عنوان متغیر خروجی سیستم باشند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری بر روی تغییر و یا تعدیل آن‌ها، از لحاظ راهبردی، تأثیر کم‌تری بر ایجاد تأثیرات در نظام راهبرد خواهد داشت. تضاد و تجانس هویتی با کشور محل اجرای راهبرد دفاع پیرامونی، ماهیت اتحاد با کشور محل اجرای راهبرد دفاع پیرامونی، نیروی انسانی دخیل در اجرای راهبرد و فرهنگ غالب بر فضای راهبرد، متغیرهای هدف هستند. در این بخش از راهبرد، نتیجه راهبرد ناشی از متغیرهای تأثیرگذار، بر ساخته شده است. برای مثال، در مورد جمهوری اسلامی ایران، تجانس هویتی با لبنان و سوریه، اتحاد ماهوی حول محور مقاومت با این کشورها، نیروی انسانی فعال، مقاوم و شهادت طلب و به‌طور کلی، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت ناشی از مؤلفه‌های هستی‌شناسی است که در زمره متغیرهای تأثیرگذار ذکر و بررسی شد. در مقابل نیز، عدم تجانس هویتی رژیم صهیونیستی با آذربایجان و اقلیم عراق، انعقاد اتحادهای قراردادی و نیروی انسانی درگیر در راهبرد دفاع پیرامونی که متمرکز بر تبادل و دادوستد برخی امتیازات مادی است، نیز از هستی‌شناسی برتری‌جو و انحصاری صهیونیسم نشأت گرفته است. از آنجایی که متغیرهای این بخش برای جمهوری اسلامی ایران مزیت و برای رژیم صهیونیستی هزینه است، می‌توان با سیاست‌گذاری درست، آن‌ها را از شمول متغیرهای هدف خارج کرد و در زمره متغیرهای ورودی یا ریسک قرار دارد و از آن‌ها برای تقویت راهبرد، استفاده کرد. این متغیرها برای رژیم غاصب این امکان را ایجاد نمی‌کنند زیرا با هر نوع سیاست‌گذاری و صرف هزینه، تجانس هویتی این رژیم با مردم آذربایجان و اقلیم



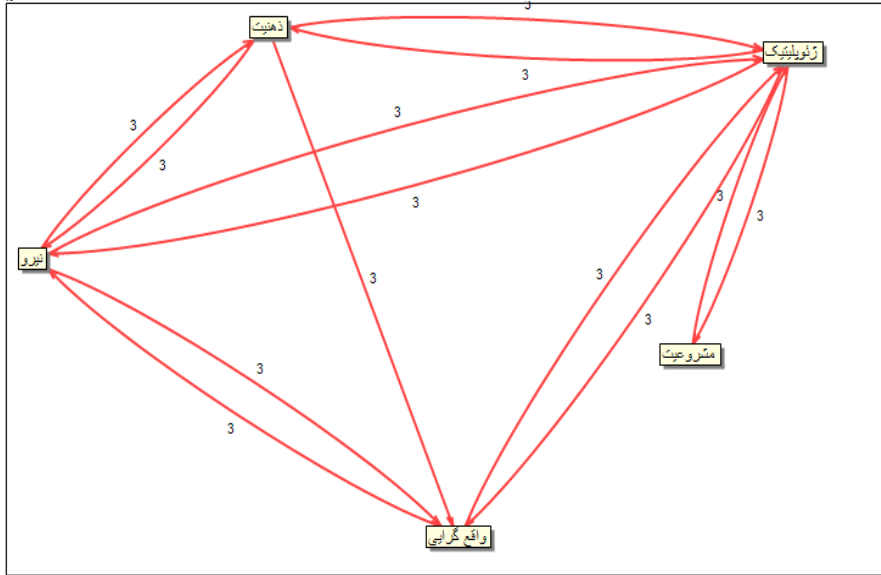
کردستان عراق و ماهیت اتحاد این رژیم با آذربایجان با دولت‌های مستقر در آن، تغییر نخواهد کرد.

د: متغیرهای خروجی: این متغیرها که در بخش جنوب شرقی نگاشت قرار دارند، بیش‌ترین حساسیت را نسبت به تغییر در سایر متغیرها از خود نشان می‌دهند و دچار تغییر می‌شوند. از این رو به این متغیرها وابسته یا متغیر خروجی گفته می‌شود. تقارن اگزستانسیالیستی، مشروعیت، رویکرد به واقع‌گرایی، دوگانه غیرت/تعصب و دوگانه استکبار-ستیزی و غیر ستیزی در این دسته جای می‌گیرند. دست‌کاری این متغیرها، پرهزینه‌ترین و سخت‌ترین متغیرها و کم‌اثرترین متغیرها برای ایجاد تأثیر است.

ه: متغیرهای مستقل (اهرمی/مستثنا): این متغیرها که در جنوب غربی نگاشت قرار دارند، ضعیف‌ترین رابطه را با سیستم تأثیرات دارند و به‌ندرت تأثیرگذار و تأثیرپذیر می‌شوند اما با توجه به کاربست آن‌ها در شرایط گوناگون، می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. این متغیرها در دودسته اصلی جای گرفته‌اند. متغیرهای اهرمی که در بالای خط قطری قرمز در این ناحیه قرار دارند، دارای اهمیت راهبردی ثانویه هستند و در صورت ناکارآمد بودن تغییرات ایجاد شده در متغیرهای حیاتی و محیطی، از آن‌ها به‌عنوان متغیر اهرمی و کمکی برای ایجاد تغییرات در سیستم استفاده می‌شود. نظام راهبرد دفاع پیرامونی اتخاذ شده توسط طرفین در مطالعه حاضر، فاقد این متغیرها است. جدای از دسته‌بندی متغیرها، هر چه میزان تقرب متغیرها به مرکز و نقطه مبدأ نمودار بیشتر باشد، نسبت به متغیرهای دسته خود، قدرت تنظیم‌گری بالاتری دارند. همچنین، هر چه میزان تقرب متغیرها در هر دسته، نسبت به خط قطری قرمز بیشتر باشد، نسبت به متغیرهای هم دسته خود، دارای اهمیت راهبردی بیشتری هستند.



شکل شماره ۲. نگاهت تأثیرات بالقوه متغیرها بر راهبرد دفاع پیرامونی



همان‌طور که در شکل فوق، نشان داده شده است، متغیرهای نیروی انسانی، ذهنیت از شکست/پیروزی، مشروعیت و ژئوپلیتیک، مهم‌ترین متغیرهای دارای تأثیر متقابل بر هم دیگر هستند. در این میان، ژئوپلیتیک و نیروی انسانی، بیش‌ترین تأثیرپذیری بالقوه را در بین متغیرهای مذکور به خود اختصاص داده‌اند. خط قرمز و ارزش عددی ۳، نشان‌دهنده بیش‌ترین شدت تأثیر و جهت پیکان‌ها نشان‌دهنده جهت تأثیر است.

– استخراج مطلوب‌ترین سناریوی آینده برای تقویت راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران

به‌منظور کشف و استخراج سناریوهای مطلوب در آینده راهبرد دفاع پیرامونی متناظر طرفین تحقیق، از نظرات نخبگانی در ساخت ماتریس اثرات متوازن استفاده شد و تحلیل حاصل از آن موردبررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این بخش منجر به ارائه ۳ سناریوی سازگار (سازگاری بالا)، ۲۳۸ سناریو با سازگاری ضعیف و ۱۷۹ سناریوی ناسازگار شد. نظر به هدف تحقیق که معطوف به کشف سناریوهای مطلوب است، در این بخش، سازگارترین سناریو که دارای بیش‌ترین متغیرهای مطلوب است و به سناریوی پیش‌برنده شهرت دارد، ارائه و مورد تحلیل بیشتر قرار گرفت:



جدول شماره ۳. سناریوی پیش برنده (بازدارنده) مطلوب در راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران

محور اصلی	وزن	ماهیت	عامل کلیدی	ارزش سازگاری
تقویت رهیافت شیعی	۳	مطلوب	عدالت‌خواهی	۹۳
تقویت فرهنگ مقاومت	۳	مطلوب	وجودگرایی همسو	۹۱
تقویت ساختار مقاومت	۲	مطلوب	نیروی انسانی	۸۳
تقویت روش راهبرد	۳	مطلوب	مشروعیت زدایی	۷۹

همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شده است، مطلوب‌ترین و پیش برنده‌ترین سناریو در راهبرد دفاع پیرامونی جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر چهار محور حول چهار عامل کلیدی است که بیش‌ترین سازگاری را برای پیش برد اهداف امنیتی ایران نه‌تنها در سوریه و لبنان، بلکه در جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان برای تخریب راهبرد رژیم صهیونیستی در پی دارد. تقویت رهیافت شیعی عدالت‌خواهی نه‌تنها در بافت شیعی لبنان بلکه در بین جمعیت سنی فلسطین، سوریه و سایر احزاب سنی کشورهای گوناگون، دارای اثر پیش برنده بوده است. به دلیل تجانس فرهنگی و مذهبی جمعیت جمهوری آذربایجان و مشابهت‌های فرهنگی و دینی جمعیت اقلیم عراق، تقویت رهیافت عدالت‌خواهی شیعی می‌تواند باعث اضمحلال روش راهبرد و تضعیف منابع راهبردی رژیم صهیونیستی در این مناطق شود.

۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

مروری کوتاه به روندهای امنیت‌سازی و امنیت‌زدایی در مجموعه امنیتی غرب آسیا نشان می‌دهد که تغییرات بزرگی در این منطقه به نفع محور مقاومت در حال رخ دادن است. فشار همه‌جانبه بین‌المللی، ترورهای دانشمندان و رهبران فکری مقاومت، جنگ‌های ترکیبی داخلی، حمله مستقیم نظامی آمریکا به عراق، جنگ‌های سی‌وسه روزه و بیست‌ودو روزه علیه حزب‌الله لبنان، ویران‌سازی داخلی سوریه، ایجاد داعش، ترور سردار سلیمانی و صدها هزار اقدامات دیگر فرهنگی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و اقتصادی، نه‌تنها باعث نجات رژیم صهیونیستی از



مخمسه امنیتی ماهوی خود نشد، بلکه ابعاد و ضرایب آن را تشدید کرده است و عمق راهبردی مقاومت را در تمام جبهه‌های مذکور بسط داده است. عبدالرحمن (۲۰۱۲، ص ۲۱۵) معتقد است که شکست امریکا در طرح تأمین امنیت رژیم جعلی صهیونیسم و خروج آن از منطقه باعث اتخاذ یک دکترین منفعلانه در دستور کار امنیتی رژیم صهیونیستی شود به گونه‌ای که از انباشت و توازن قدرت به تلاش برای توازن تهدید^۱ روی آورده است. کارپنتر و بارجوزف (۲۰۰۰، ۱۰۳) نیز معتقدند که این تغییر دکترین رژیم صهیونیستی از منظر رویکردهای واقع‌گرا، ساخت‌گرا و لیبرال به تحلیل امنیت، قابل اثبات است. این تغییر دکترین در امنیت باعث اتخاذ برخی راهبردهای به‌ظاهر تهاجمی شده است اما نتایج مطالعات گوناگون، ماهیت واقعی و تدافعی آن‌ها را نشان می‌دهد. راهبرد دفاع پیرامونی یکی از این راهبردها است که رژیم اشغالگر با تقلید از نمونه موفق حضور ایران در سوریه و لبنان، به دنبال اجرای آن در ژئوپلیتیک قربت ایران در کشورهای آذربایجان و اقلیم کردستان عراق است.

۵-۲- نتیجه‌گیری

به دلیل اهمیت این موضوع بر امنیت ج.ا.ایران و سایر کشورهای منطقه، این نسخه‌برداری راهبردی با کاربست یک روش تحقیق ترکیبی، تلفیقی و نوآورانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که راهبرد دفاع پیرامونی اتخاذ شده توسط رژیم غاصب صهیونیستی، به دلیل ابتناء بر هستی‌شناسی متفاوت (رهیافت تلمودی برتری‌جو، نظام معنایی اکسایشی گتویی، تفکر شوونیستی انحصاری) و جامعه‌شناسی متفاوت (تضاد هویتی، غیر ستیزی، تعصب فرقه‌ای، واگرایی اگزستانسیالیستی) با کشورهای محل اجرای راهبرد خود (کردستان عراق، جمهوری آذربایجان) و همچنین استخدام روش‌شناسی متمایز (اتحاد قراردادی محور سازش، مشروعیت‌سازی تصنعی، واقع‌گرایی تدافعی) و دارا بودن منابع متفاوت برای اجرای این راهبرد (ذهنیت شکست متوالی، نیروی انسانی منفعل و متفرق، ژئوپلیتیک محدود/ فاقد عمق)، نسبت به راهبرد متناظر جمهوری اسلامی ایران در سوریه و لبنان، از کارایی بسیار کمتری برخوردار است و دارای چالش‌های ماهوی و تاکتیکی فراوانی است. استخدام راهبرد دفاع پیرامونی توسط این رژیم که به تقلید از جمهوری اسلامی ایران بوده



^۱ Balance of Threat

است یک خطای راهبردی در حوزه نرم به شمار می‌رود که ظرفیت‌های سخت این رژیم برای مقابله با محور مقاومت را به شدت فرسایش می‌دهد. در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در کشورهای هدف راهبرد خود، با مردم مسلمان سوریه و لبنان از حیث مقاصد و ماهیت سازگاری دارد و در بافت جامعه‌شناختی آن نیز، علاوه بر همکاری دولت‌ها از پشتیبانی مردمی نیز برخوردار است، رژیم صهیونیستی همراهی مردم عراق و آذربایجان را ندارد و همراهی برخی دولت‌مردان با آن‌ها نیز مبتنی بر قراردادهای سازش و هزینه‌بر برای کشورهای هدف و همه دولت‌مردانی است که به دنبال همراهی با این رژیم جعلی هستند. تلفیق تفکر عدالت‌طلب شیعی و اتحاد ماهوی با کشورهای سوریه و لبنان در تقابل با اشغالگری صهیونیست‌ها و سازگاری‌های مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی باعث شده است که حتی کاستی‌های محور مقاومت در ظرفیت‌های سخت‌افزاری، پوشش داده شود که خود نشان‌دهنده برتری مؤلفه‌های نرم جمهوری اسلامی است که رژیم اشغالگر قدس با هیچ هزینه مادی قادر به جبران آن نیست. شناخت و پیش‌بینی این تفاوت‌ها، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار راهبردها می‌دهد. شناسایی کشور ارائه داده است. شناخت ماهیت متغیرهای حاضر در این تقابل که در بخش تحلیل ساختاری تحقیق حاصل شده است، زمینه کاربست بهینه‌ترین راهبردها و تاکتیک‌ها برای دست‌کاری این نظام امنیتی تقابلی توسط تصمیم‌سازان را فراهم آورده است. تلاش برای کنترل متغیرهای ورودی و تبدیل متغیرهای دو-وجهی به متغیرهای تأثیرگذار، بیش‌ترین بهینگی راهبردی را برای مقابله با این تهدید رژیم صهیونیستی در اختیار راهبردها می‌دهد. همچنین مبتنی بر یافته‌های حاصل شده در متغیرشناسی و اعتباربخشی مؤلفه‌ها و عناصر این راهبرد، بهترین سناریو برای مقابله با آن ارائه شده است که تقویت فرهنگ مقاومت و تأکید بر رهیافت‌های مذهبی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران، از مهم‌ترین مؤلفه‌های این سناریو است. بدیهی است که تضعیف فرهنگ مقاومت و مبانی انقلابی در کشور باعث تنزیل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌شود به نحوی که با هیچ قدرت سختی قادر به جبران آن نخواهد بود. بر همین اساس، صیانت از ظرفیت‌های نرم و تلاش برای کاهش و فرسایش ظرفیت‌های نرم رژیم صهیونیستی در کشورهای مذکور، بهینه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهبرد برای نظام جمهوری اسلامی ایران است.



۵-۳- پیشنهادها

تحلیل ارائه شده در مطالعه حاضر، معطوف به کشف متغیرهای راهبرد دفاعی پیرامونی ج.ا.ایران در حیطه جغرافیایی خاص و در تناظر با راهبرد مشابه رژیم صهیونیستی بوده است. راهبرد کشورمان در این زمینه به صورت کلی دارای مؤلفه‌ها و متغیرهای گسترده‌تری است که در حیطه فرهنگ مقاومت و ویژگی‌های معرفت‌شناختی و سایر حیطه‌ها، دارای بعد و عمق است که به دلیل محدودیت‌های مطرح‌شده در این مطالعه بررسی نشده است. پیشنهاد می‌شود که محققان این حوزه در مطالعات آتی، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های بافتی، به مدل‌سازی ساختار دفاع پیرامونی ج.ا.ایران بپردازند. همچنین، تحقیق حاضر به دلیل تنوع روشی، در ارائه یافته‌ها و جداول اطلاعات با محدودیت حجم مواجه بوده است. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، اطلاعات حاصل از تحلیل اکتشافی، تحلیل تأییدی و خروجی آموس در گام اول تحقیق و تحلیل ماتریس ضرایب تأثیرات غیرمستقیم و تأثیرات بالقوه به همراه گراف‌های آن‌ها در گام دوم تحقیق و ارائه دیگر سناریوهای با سازگاری بالا در کنار سناریوی پیش برنده، برای بهره‌برداری محققان و کارگزاران حوزه امنیت ارائه شود.

۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

۱. احمدی، وحیده. (۱۳۹۸). جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹(۳۳)، ۲۴-۵۳.
۲. افشنگ، راشد. شیرخانی، علی. ترابی، محمد. (۱۴۰۰). تدوین الگوی امنیتی- اطلاعاتی ج.ا.ایران بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی). راهبرد دفاعی، ۱۹(۴)، ۹۷-۱۲۱.
۳. بهرامی، زهرا. عراقچی، عباس. (۱۳۹۶). تهدیدات جدید امنیتی رژیم صهیونیستی. مجله سیاست دفاعی، ۲۵(۹۸)، ۱۲۷-۱۶۲.
۴. جعفرزاده، امید. آذین، احمد. جعفری نژاد، مسعود. (۱۳۹۷). تهدیدات اسرائیل و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۴(۴۵)، ۹۹-۱۲۱.



۵. زهدی‌نسب، یعقوب. قنبری جهرمی، محمدحسین. محمودی طولش، ساسان. (۱۳۹۹). مقاله پژوهشی: سیاست‌های دفاعی ج.ا.ایران در مقابل همکاری‌های احتمالی دفاعی رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی. راهبرد دفاعی، ۱۸(۴)، ۱۶۱-۱۸۲.
۶. رجبی، محمد. (۱۴۰۰). راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در جهان اسلام. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۱۷۹-۲۰۱.
۷. متقی، ابراهیم و ثابت، علی. (۱۳۹۱). مبانی و هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی. فصلنامه آفاق امنیت، ۵(۱۷)، ۱۸۷-۱۵۹.

ب. منابع انگلیسی

1. Abdulrahman, I. (2012). Iran and Israel's National Security in the aftermath of 2003's regime change in Iraq. Unpublished PhD Dissertation, Durham University.
2. Bar-Joseph, U & Carpenter, A. (2000). "Towards a Paradigm Shift in Israel's National Security Conception". Israel Affairs, 6, 99-114.
3. Bryc, A. (2019). A "New" Middle East? Implications for Israel's Security. Polish Political Science Studies, 64 (4), 7-23.
4. Buzan, B. (1995). The Level of Analysis Problem in International Relations Reconsidered. In K. Booth & S. Smith (Eds.), International Relations Theory Today. Cambridge: Polity Press.
5. Buzan, B. & Weaver, O. (2003). Regions and power: the Structure of International Security. New York: Cambridge University Press.
6. Cohen, W.I. (2005). America's Failing Empire: U.S. Foreign Relations Since the Cold War. Malden, Blackwell Publications.
7. Creswell, J.W. (2008). Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
8. Eiran, E. (2020). Structural Shifts and Regional Security: A View from Israel. IAI Papers, 7, 1-25.
9. Hewedy, A. (1981). Militarization and Security in the Middle East. London: Pinter Publishers.
10. Inbar, E. (2008). *Israeli's National Security: Issues and Challenges since the Yom Kippur War*. New York, Routledge.
11. Levite, A. (1990). *Offense and Defense in Israeli Military Doctrine*. Boulder, Westview Press.
12. Morgan, P. (2003). *Deterrence Now*. Cambridge, Cambridge University Press.
13. Nobile, M. (1988). *The Concept of Security in the Terminology of International Relations*. London, Political Thought.
14. Rodman, D. (2005). *Defense and Diplomacy in Israeli's National Security Experience*. U.K. Sussex Academic Press.

